

۱۰ جنوری ۲۰۰۸

احمد ضیاً صدیقی سپهر

## آیا رفع مالیات گندم در افغانستان، راه مقابله "اضطراری" در برابر گرانی گندم است؟

اخیراً دولت افغانستان در یک اقدام "اضطراری" مالیات گمرکی بر گندم وارداتی را رفع کرده و مالیات گمرکی بر واردات روغن را یک در صد کاهش داده است.

قیمت گندم، آرد و نان که اساسی ترین مواد غذایی مورد نیاز مردم کشور است، از برکت حاکمیت مافیایی کنونی به طور بیسابقه بی صعود نموده و قیمت گندم در افغانستان به تناسب سال ۱۳۸۵ خورشیدی بیش از دو برابر و در بعضی نقاط کشور تا سه برابر افزایش یافته است. بر اساس گزارشهای رسیده در اکثر نقاط دوردست کشور، عمدتاً نواحی جنوب کشور قیمت ۱۰۰ کیلوگرام آرد گندم درجه دوم بیشتر از ۳۳۰۰ افغانی معادل ۶۷ دالر آمریکایی است (یک تُن ۶۷۰ دالر) و فقراً به هیچ وجه نمیتوانند چنین مبلغی را بپردازند.

در حال حاضر (جنوری ۲۰۰۸ م.) نرخ یک تُن گندم در بازارهای جهانی بالاتر از ۴۰۰ دالر است، در حالی که سال گذشته، یک تُن گندم در بدل ۱۶۰ دالر به فروش میرسید.

افزایش نرخ مواد خوراکی و مواد سوخت در چند ماه اخیر به گونه سرسام آوری بالا رفته است، اکثریت خانواده ها با درآمد کمی که دارند، قادر به خرید مواد غذایی مورد نیاز خود نیستند. این وضعیت باعث نگرانی جدی مردم به ویژه طبقات و اقشار فرودست کشور شده، افزایش گسترده و متداوم قیمتتها برای مردم غیرقابل تحمل گردیده است.

آقای فرهنگ، وزیر تجارت افغانستان در مصاحبهء اخیر خود با روزنامه آلمانی " نیواوسنابروکر زایتونگ" در این رابطه ضمن آنکه از جامعه جهانی خواست، تا ارسال گندم را به این کشور افزایش دهند، گفت: «وضعیت جدیست!»؛ ما به آقای فرهنگ میگوییم، وضعیت نی تنها جدی، بل که فاجعه بار است! سیاستهای نادرست و الگوی لجامگیسخته "بازار آزاد" شما هر روز برای مردم ما فاجعه و بدبختی می آفریند، مردم از حاکمان کشور نان میخواهند!

مقامهای رسمی دولت افغانستان، مطابق ماهیت و سرشت ترکیبی خویش به منظور بزرگ جلوه دادن اقدامهای خود و اغفال و فریب مردم و جهانیان پیوسته ارقام و احصاییه های غیرواقعی را از طریق شبکه های جهانی خبری به نشر میسپارند. در اکتوبر سال ۲۰۰۷م. "اداره احصاییه و بازاریابی" وزارت زراعت افغانستان، رسماً اعلام نمود که: «مجموع زمینی که امسال برای کشت غله پیشبینی شده بود، سه میلیون هکتار زمین بود، که از این ساحه ۶،۵ میلیون تُن غله حاصلات به دست خواهد آمد. ارزیابیهایی که در این اواخر انجام دادیم، نشان میدهد که ۵،۴ میلیون تُن، یعنی ۸۰٪ این محصولات را گندم تشکیل میدهد. امسال در حدود ۴۳۳ هزار تُن تولید غله خواهیم داشت»

در حالی که مسؤولان دولت از "افزایش بیسابقه" محصولات زراعتی، عمدتاً گندم خبر میدهند، مردم از افزایش سرسام آور و بیسابقه قیمتهای مواد خوراکی به خصوص آرد و گندم نی تنها شکایت دارند، بل که نگران اند و کتله های بزرگی از مردم فقیر کشور به مواد غذایی دسترسی ندارند.

وزیر مالیه افغانستان با طمطراق اظهار میدارد: «نیاز سالانهء گندم در کشور - به شش میلیون تُن میرسد - که پنج و نیم میلیون تُن آن از حاصلات داخلی کشور تأمین میگردد و صرفاً ۵۰۰ هزار تُن از خارج کشور وارد میگردد.»

در شرایط کنونی که قطعات وسیع اراضی زراعتی قابل کشت بنابر نبود امنیت، تداوم جنگ و خشونت، تخریب شبکه های سنتی آبیاری، غصب زمینهای زراعتی (به شمول زمینهای دولتی) توسط زورمندان و تفنگداران، کمبود بذر (تخم و دانه ها برای کشت

و زرع) و کودهای کیمیایی و نبود خدمات آگروتخنیک از کشت بازمانده است و مزید به آن کشت خاشخاش گسترش یافته است و بخشهایی از زمینهای زراعتی به گارنیزینونهای نظامی تبدیل شده ادعای تولید پنج و نیم ملیون تن گندم در داخل کشور یک ادعای غیر واقعی، تبلیغاتی و عوام فریبانه است. همین اکنون هیچ مارکیت مرکزی و محلی وجود ندارد که در آن گندم وارداتی پاکستانی به فروش نرسد

وزیر مالیه افغانستان باید بداند که ارقام شامل پلانهای پیشبینی شده که غرض گرفتن بودجه مالی در دفترهای در بسته از طرق ریاستهای "پلان" وزارتها استخراج، تنظیم و توحید میگردد با ارقام تحقق یافته یا حقیقتی فرق زیادی دارد. مردم میخواهند بدانند که چه برنامه های برای رشد تولیدات و تشویق مولدان اصلی وجود دارد و چند فیصد ارقام پلانی در عرصه تولید محصولات زراعتی تحقق یافته است.

اگر با آن هم به گونه قبول نمایم که این رقم نزدیک به حقیقت است، باید گفت که تأثیر رفع تعرفه های گمرکی بر واردات گندم در کاهش قیمت آن بسیار ناچیز است. آیا قبل از این "اقدام اضطراری" روزانه هزارها تن گندم به صورت قاچاق وارد کشور نمیگردید؟ آیا خروج مقادیر بزرگ گندم از افغانستان که از بد روزگار به صورت قاچاق وارد تاجکستان میگردد در صعود قیمت گندم تأثیر ندارد؟

به نظر ما یکی از عوامل صعود آنی قیمتتهای مواد ارتزاقی به خصوص آرد و گندم و روغن مزید به فساد اقتصادی، احتکار وسیع مواد ارتزاقی از جمله گندم به وسیله زورمندان، جلابان و دلالان وابسته به شبکه های مافیایی است، که در موجودیت نظام "بازار آزاد" و قبول پرنسیپ عدم مداخله دولت در بازارهای مرکزی و محلی و مناطق عمده تولید بلا مانع خواهد بود. موازین و قواعد "اقتصاد بازار آزاد" در کشوری مانند افغانستان در همچو حالات خود زمینه ساز احتکار وسیع و انحصار مواد مورد ضرورت اولیه به ویژه مواد ارتزاقی و نفتی میگردد. چه مطابق این قواعد امکان نظارت و دخالت دولت بر بازار و ظهور دولت به حیث یک رقیب در زمینه عرضه کالاهای مورد نیاز عامه به شدت محدود و مقید است.

افغانستان دارای ۳۹،۸ میلیون هکتار زمین زراعتی بوده که از جمله ۷،۹ میلیون هکتار آن قابل کشت میباشد، در حال حاضر تنها در حدود سه میلیون هکتار زمین کشت میشود، با آنکه افغانستان یک کشور زراعتی محسوب میگردد و بیشترین نیروی مستعد به کار به ویژه ساکنان روستاها به کشاورزی مشغول اند ولی بنابر تخریب شبکه های آبیاری، ادامه ناامنی و خشونت، نبود مساعدتهای دولتی و عدم سرمایه گذاریهای زیربنایی از این اراضی بهره گیری مؤثر اقتصادی صورت نمی گیرد.

جالب این است که مقامات مالی دولت ادعا مینماید که اقتصاد کشور در سال ۲۰۰۷ میلادی ۱۳ درصد رشد داشته و درآمد سرانه مردم بصورت اوسط از ۳۵۵ دالر به ۴۰۰ دالر ارتقا نموده . همچنان میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی به یک میلیارد دالر و سرمایه گذاریهای دولتی در همین سال به یک و نیم میلیارد دالر رسیده.

این ارقام در حالی از جانب مقامات مسؤول دولت اعلام میگردد که تا هنوز هم ۳۸ درصد بودجه عادی و کل بودجه انکشافی کشور به وسیله کمکهای جامعه جهانی تمویل میگردد، و در حقیقت آهنگ رشد اقتصادی کشور عمدتاً وابسته به کمکهای خارجی و قسماً مربوط به عواید غیر قانونی و غیر مجاز "تجارت" و قاچاق مواد مخدر میباشد.

عجب اینکه حاکمان دولتی بدون درک مسؤولیت، بیان میدارند که "عاید سرانه کشور از ۱۸۰ دالر در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۴۰۰ دالر در سال ۲۰۰۷ میلادی افزایش یافته". ولی ما میبینیم که در زنده گی اکثریت مردم از نظر اقتصادی نه تنها بهبود مشهودی رونما نشده است، بلکه آن مقدار کالاهای مورد نیاز خویش را که قبلاً بدست می آوردند امروز نمیتوانند بدست آورند، یعنی که اکثریت مردم قدرت خرید خود را از دست داده اند.

آنچه روشن است: فیصدی رشد اقتصادی اعلام شده از جانب دولت یک رشد کاذب بوده که بیشتر اهداف تبلیغاتی و سیاسی و فریب مردم اعلام گردیده است، زیرا افزایش درآمد سرانه و رشد اقتصادی تا بیشتر از ۱۳ فیصد نظر به سال قبل (۲۰۰۶) به این معنی است که وضعیت زنده گی مردم نسبت به سال قبل بهبود حاصل نموده، توان خرید آنها افزایش یافته، سرمایه گذاریهای بیشتر صورت گرفته، سطح استخدام

بلند رفته و در تعداد لشکر بیکاران کاهش به عمل آمده. آیا عملاً چنین است؟ پاسخ حقیقتی این است که چنین تحولی مثبتی در کشور به وقوع نپیوسته، همین اکنون ملیونها انسان این کشور به مواد غذایی دسترسی ندارند، تفاوت بین فقر و ثروت روز تا روز بیشتر میگردد، در طول سالهای گذشته به جز اعمار و ترمیم چند جاده اصلی (آن هم به خاطر اهداف خاص نظامی-سیاسی) پروژه های مهم اقتصادی که بتواند زمینه اشتغال دائمی را برای مردم فراهم کند و باعث ارتقای سطح تولیدات گردد به اجرا گذاشته نشده است.

بر اساس گزارش وزارت اقتصاد افغانستان در حال حاضر سی در صد نیروی مستعد به کار کشور بیکار اند، (رقم واقعی بیکاران به مراتب بیشتر از این است) و نصف نیروی شامل کار را کارگران موسمی احتوا مینمایند.

مطابق گزارش تازه کمیسیون حقوق بشر افغانستان، که در اگست ۲۰۰۷ منتشر گردیده " بیش از شصت فیصد جمعیت افغانستان زیر خط فقر زنده گی میکنند و درآمد روزانه شان کمتر از ۵۰ افغانی ( یک دالر ) است، نیمی از جمعیت کشور به آب آشامیدنی و بهداشتی و نود در صد کودکان به امکانات آموزشی ابتدایی دسترسی ندارند، سی وهفت در صد مردم فاقد امکانات تهیه غذای کافی برای خود هستند".

نگرانیهای ناشی از بیکاری و بی سرپنایی، بی جاشده گان داخلی و مهاجران بازگشته ار خارج را از بازگشتن به محلات اصلی شان باز داشته است.

نکته دیگری قابل مکت اینکه : وزارت تجارت افغانستان میزان واردات افغانستان را در سال ۲۰۰۷ حدود سه میلیارد دالر و صادرات را نزدیک به ۵۰۰ میلیون دالر محاسبه نموده است، اینکه کسر بیلانس تادیات در اوضاع کنونی چه تاثیرات منفی بر اقتصاد کشور و زنده گی زحمت کشان وارد مینماید از آن در این بحث میگذریم، اصل مسأله در این است که دولت یکی از فعالیتهای مهم اقتصادی خود را افزایش میزان صادرات در سال ۲۰۰۷ میدانند به گفته "اداره توسعه صادرات وزارت تجارت افغانستان"، میزان صادرات در نیمه اول سال ۱۳۸۶ خورشیدی بیش از ده در صد نسبت به سال قبل بوده است. اولاً در مورد دقیق بودن این رقم و سنجش و استخراج آن نمیتوان

باور کرد، ثانیاً این رشد نسبی آنی اگر هم درست باشد ناشی از افزایش محصولات موسمی بخش زراعت بوده که خود از اثر بارش و برف فراوان خدا داد در زمستان گذشته است نه ناشی از سیاستهای اقتصادی حکومت.

ارزیابی فعالیتهای اقتصادی جاری بیانگر آن است که نرخ تورم (۱) در کشور افزایش قابل ملاحظه نمود است، قیمت اغلب اجناس مورد ضرورت مردم طی سال گذشته نزدیک به دو یا سه برابر افزایش یافته و قیمت مواد غذایی و سوختی از جمله مواد نفتی به آسمان رسیده است.

از دید اقتصاد بورژوازی گرچه میزان تورم در حدود ۳ تا ۴ درصد برای اقتصاد یک کشور معنی رشد اقتصادی آن کشور است اما اگر این رقم به ده درصد و بیش از آن برسد معنی اش این خواهد بود که وضع اقتصادی مردم خراب است ولی کنون که بانک مرکزی افغانستان سطح تورم را بیشتر از ۵۰ درصد ارزیابی مینماید (سطح تورم حقیقی چند برابر بیشتر از ارزیابیهای بانک مرکزی افغانستان است) باید گفت که وضع اقتصادی کشور غیر قابل تحمل و فاجعه آفرین است.

بادر نظر داشت اینکه خود کفایی از ناحیه اقلام عمده زراعتی و مواد خوراکی بدون توسعه و انکشاف زراعت و مالداری مقدور نیست باید ترجیحاً به آن در چوکات یک برنامه علماً تنظیم شده پرداخت، به باور ما ازدیاد سطح محصولات و تولیدات زراعتی و مالداری، و ارتقاء سطح بازدهی زمین در کشور بدون انجام رفورم واقعی مترقی زراعتی و حل بنیادی مسأله زمین و آب به سود مولدان مستقیم میسر نیست.

از دید ما تأمین آب زراعتی، تنظیم شبکه های آبیاری، تبدیل اراضی بایر به زمینهای زراعتی (به منظور توزیع به دهقانان بی زمین و کم زمین و ایجاد فارمهای زراعتی)، میکانیزه ساختن زراعت، تعیین عادلانه حد نصاب مالکیت بر زمین و تأمین نیازهای مادی تولیدی کشاورزان خطوط اساسی رفورم مذکور را میسازند. ایجاد واحدهای موثر تولیدی به شکل کوپراتیفهای تولیدی زراعتی با شرکت آگاهانه مستقیم دهقانان میتوان به حیث آغاز رفورم نامبرده مطرح گردد، موثریت اقتصادی - اجتماعی این رفورم مستلزم آن است تا دهقانان به طور آگاهانه و داوطلبانه در آن سهم بگیرند

البته آماده گی ذهنی و اندیشه یی دهقانان برای تحقق این رفورمها در واقع آغاز دگرگونی مناسبات اجتماعی - اقتصادی در روستاهای افغانستان است.

مفید پنداشته میشود تا در این مرحله، به منظور تسریع پروسه بازسازی کشور جهت میکانیزه ساختن و انکشاف زراعت و به مقصد زراعتی ساختن زمینهای بایر، اعمار بندهای آب، حفرچاه های عمیق و کانالهای آبرسانی، تاسیس قصبات مسکونی، ایجاد فارمهای زراعتی و مالداري در پهلوهای امکانات سکتورهای دولتی و تعاونی از سکتور خصوصی و سرمایه گذاریهای خصوصی و خارجی نیز استفاده موثر اقتصادی به عمل آید. ولی نباید از دولتواره کنونی که در واقع تجسم یک حاکمیت ارتجاعی مافیاییست انتظار عملی نمودن طرحهای بالا را داشت. ایجاد یک دولت واقعاً دموکراتیک و مدافع منافع زحمتکشان و خدمتگذار مردم نیاز جدی مردم ما است به همین لحاظ " تلاش برای ایجاد مقدمات بایسته برای تکوین یک دولت دموکراتیک وظیفه سترگیست که به دوش نیروهای مترقی و دموکراتیک قرار دارد".

با آنهم اداره دولتی در فعالیتهای روزمره گی خویش بمنظورمههار نمودن تورم، جلوگیری از صعود قیمتهای کالاهای مورد نیاز مردم و تأمین به موقع آن، میتواند اقدامات ذیل را به منزلت اقدامات عاجل و اضطراری در نظر گیرد.

- برای انواع کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، به ویژه گندم، برنج، روغن، شکر، گوشت، چای، آب آشامیدنی، انواع مواد سوخت از جمله مواد نفتی، گاز، برق و انواع خدمات عاجل ضروری سبسایدی (یارانه) پرداخت نماید و باید افراد کم درآمد و دارای عاید ثابت به خصوص کارگران، کارمندان، کارکنان مؤسسات، معلمان، استادان جوانان جویای کار، و اقشار فرودست کشور مشمول دریافت کالاهای سبسایدی شده گردند .

- در شرایط کنونی که افراد کم درآمد و دارای عاید ثابت به شدت تحت فشار ناشی از افزایش قیمتها قرار دارند، مفید پنداشته میشود تا، بمنظور جلوگیری از تورم و صعود بیشتر سطح قیمتها، به سیستم کوپون، مواد اولیه برای طبقات و اقشار فرودست جامعه توزیع گردد.

- حکومت موظف گردد تا جهت تأمین و توزیع بموقع مواد مورد نیاز عامه خاصاً گندم، شکر، روغن، گوشت و موادسوخت بخصوص مواد نفتی، ذخایراستراتیژیک دولتی را ایجاد نماید و بمنظور جلوگیری از کمبود اموال ضروری اقدام به توريد کالاهای سبسایدی شده ( یارانه یی ) بدارد و تدابیر اتخاذ نماید تا بخش عمده از این کالاها به دست افراد نیازمند برسد.

- برای مقابله به احتکار و خروج غیر مجاز مواد ارتزاقی به ویژه گندم از کشور، تدابیر مقتضی اضافی قانونی گرفته شود.

- باید از توسعه، انکشاف و گسترش کوپراتیفهای تولیدی و استهلاکی حمایت جدی به عمل آید و دولت تدابیر لازم را برای تامین فعالیتهای این نهادها اتخاذ بدارد.

دولت به همکاری نهادهای مالی جهانی به تاسیس بانکهای انکشافی، زراعتی و تعاونی و کردتی که هدف آن کمک به مولدان و پرداخت وامهای کوچک کم ربح به زارعان، روستاییها و فقرا باشد اقدام نماید .

- به منظور جلوگیری از ضایعات محصولات تولید شده زراعتی و مالداري حکومت تدابیر لازمه اتخاذ و تسهیلات لازم را برای مولدان فراهم نماید و خریداریهای دولتی از محلات اصلی تولید باید جزء این تدابیر گردد.

پینویسهها:

تورم وضعیتی است که سطح عمومی قیمتها به طور مداوم و به مرور زمان افزایش مییابد، یک نکته حایز اهمیت در تعریف تورم عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمتها است. بدین معنی که قیمتها باید به صورت مداوم در طی زمان افزایش داشته باشد . اگر قیمتها در یک دور خاص افزایش یابند و سپس این روند صعودی قطع شود به این فرآیند تورم اطلاق نمیشود، زیرا افزایش صعودی در قیمتها باید تداوم داشته باشد. باید در نظر داشت که تورم یک واقعیت ذاتی نظام



سرمایه داری است که مداوم به کاهش درآمد کارگران و مزدبگیران می افزاید و مهار کامل آن ممکن نیست مگر آنکه نظامی برقرار گردد که در آن پول ماهیت واقعی خود را به عنوان نماینده ارزش واقعی باز یابد.

13012008

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)